

بررسی نقش رسانه ملی در بیداری اسلامی

سعید نورالهی

چکیده

رسانه‌ها همواره نقشی مهم در پیش‌برد سیاست خارجی کشورها دارند، مهم‌ترین نقشی که رسانه‌ها در فرایند سیاسی ایفا می‌کنند پل ارتباطی برای اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی سیاست‌گذاران و جامعه نسبت به دیدگاه‌های یکدیگر و اتفاقات و رویدادهای سیاسی است. تجربه نشان داده است که رسانه‌ها پیش از وظیفه واسطه‌گری ارتباط، نقش‌ها و کارکردهای وسیع‌تری را در ارتباطات سیاسی به اجرا در می‌آورند که از آن جمله تأثیر بر افکار عمومی و سپس تأثیر بر فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی است.

با شروع موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی، تحرکات دیپلماتیک بین‌المللی برای دفع تهدیدهای احتمالی و بهره‌گیری از فرصت‌ها به سرعت افزایش یافت و رقابتی شدید در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای جهت دادن به این تحولات در مسیر منافع بازیگران در گرفت. در این میان، رسانه‌ها در خط مقدم کنش‌ها و واکنش‌های دیپلماتیک قرار داشتند.

کلیدواژه‌ها: رسانه، بیداری اسلامی، رسانه ملی، کشورهای عربی، بیداری، منطقه، صداوسیما

(۱) کلیات

الف) بیان مسأله

در متون سیاسی معاصر ایران و جهان، عوامل اصلی تحولات فکری و اجتماعی دو سده اخیر جوامع مسلمان و همچنین بیداری اسلامی را روبه‌رو شدن مسلمانان با فرهنگ و تمدن جدید غربی و پی بردن آنان به عمق عقب‌ماندگی خود در برخی زمینه‌ها در برابر غرب دانسته‌اند. در واقع این پدیده واکنش دینی اندیشمندان جوامع مسلمان در برخورد با فرهنگ و تمدن غرب است (ولایتی، ۱۳۹۰: ۱۳).

حرکت «بیداری اسلامی» یا «خیزش اسلامی» پدیده‌ای عظیم و فراگیر است که حدود دو قرن از پیدایش آن می‌گذرد. در این دو قرن فرازها و نشیب‌های فراوان فراروی این حرکت بوده و با ضعف‌ها و قوت‌هایی همراه شده است. در برخی از مقاطع زمانی پیروزی‌های عظیم نصیب آن گشته و گاهی نیز در برخی مناطق ناکام یا با شکست روبه‌رو شده است. این حرکت در ابتدا در مناطق جغرافیایی خاص و محدودی ظهور یافت. سپس در طول دهه‌های گذشته دامنه آن گسترده شده، به تدریج در سراسر دنیای اسلام از شرق آسیا تا جنوب و غرب آفریقا حتی در بین اقلیت‌های مسلمان سایر کشورها گسترش یافته است. در ابتدا فعالان آن جمعی از علمای دین و نخبگان و اندیشمندان بوده‌اند و امروزه تمامی توده‌های مسلمان عالم و عامی را فراگرفته و در مسیر خود به حرکت واداشته است.

نهضت بیداری اسلامی دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. در بعد سیاسی، مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی، وحدت اسلامی و احیای اندیشه حکومت دینی، از جمله مؤلفه‌های آن به شمار می‌رود. در بعد فرهنگی، احیاء و اصلاح فکر دینی، بازگشت به قرآن، احساس هویت مشترک امت اسلامی، نواندیشی دینی و... را شامل می‌شود و در نهایت بعد اجتماعی آن شامل توجه به تربیت اسلامی و احیای شعائر دینی است که در هر بخش از ابعاد خود تأثیرات خاصی را بر جای گذاشته و می‌گذارد. اما آنچه که در این بین دارای نقش مهم و راهبردی تلقی می‌شود رسانه‌ها و تأثیر آنها در شکل‌گیری افکار عمومی و همچنین

ایجاد دغدغه‌های یکسان اجتماعی در مورد الگوهایی که یک رسانه به تبلیغ آنها می‌پردازد، است. در رأس آنها شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای قرار دارند. رسانه‌هایی که هر یک به فراخور اهداف و منافع مالکان خود، خیزش‌های بشری را منعکس می‌کنند.

امروزه با انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در زندگی بشری پیدا کرده‌اند و اخبار و اطلاعات را در کمترین زمان انتشار می‌دهند؛ بنابراین نقش رسانه‌ها در بیداری اسلامی دارای اهمیت راهبردی است. در رأس آنها شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما قرار دارند؛ چرا که امروزه شاهد تحولات گسترده‌ای در عرصه رسانه‌ها هستیم و در نتیجه انقلاب ارتباطات، نقش رسانه‌ها در دنیای کنونی برخلاف گذشته بسیار پررنگ شده است. سیاست و دیپلماسی نیز از این تغییرات مصون نبوده و تحولات به وجودآمده هم در دیپلماسی و هم در عرصه رسانه موجب شکل‌گیری پدیده جدیدی به نام «دیپلماسی رسانه‌ای» شده است. در این بین در تحولات چند سال گذشته غرب آسیا (خاورمیانه) در عمل رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی را به عهده داشته است.

ب) اهمیت و ضرورت تحقیق

تحقیقاتی که تاکنون پیرامون مقوله بیداری اسلامی صورت گرفته است، بیشتر با تأکید بر ابعاد و مؤلفه‌های بیداری اسلامی؛ یعنی تاریخچه، جنبش‌های سیاسی، اندیشمندان مختلف در عرصه بیداری اسلامی و... بوده است. اما در مورد نقش رسانه ملی در بیداری اسلامی کمتر مورد مذاقه و امعان قرار گرفته است. در نتیجه تحقیق جامعی در مورد نقش رسانه ملی در بیداری اسلامی صورت نگرفته است.

ج) پیشینه تحقیق

در مورد بیداری اسلامی کتاب‌ها و مقاله‌های مختلفی نوشته شده است که بیشتر به توضیح و تشریح بیداری اسلامی، ویژگی‌ها، ابعاد و مختصات آن پرداخته‌اند، اما تحقیقی جامع که به نقش رسانه ملی در بیداری اسلامی پرداخته باشد کار نشده یا

نویسنده در طول پژوهش به چنین موردی برخورد نکرده است. در برخی از تحقیقات قبلی تنها در کنار موضوعات دیگر اشاره‌ای کوتاه به رسانه ملی و بیداری اسلامی شده است و تحقیقی به طور همزمان هر دو موضوع را بررسی ننموده است. از این رو، تحقیق حاضر می‌تواند از این جهت، کاری نو محسوب شود.

شیروودی، مرتضی (۱۳۸۸)، در مقاله "انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه‌ها)"، نخست به چیستی بیداری اسلامی می‌پردازد و سپس با بررسی‌های لازم، میزان جدید و قدیم بودن آن را مشخص می‌نماید. در گام بعدی می‌کوشد پیوندی میان انقلاب اسلامی بر توسعه بیداری اسلامی را مطرح سازد و سپس به مصداق‌هایی اشاره می‌کند که خلق یا رشد آن، ناشی از انقلاب اسلامی است. سرانجام به توضیح نمونه‌هایی می‌پردازد که به صورت ملموس‌تر و عینی‌تر، تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش اسلامی الهام‌گرفته از بیداری اسلامی را نشان می‌دهد.

منصوری، جواد (۱۳۸۳)، در مقاله "سیاست راهبردی آمریکا در مقابله با بیداری اسلامی" به بررسی سیاست راهبردی سلطه استکبار سرمایه‌داری و به ویژه ایالات متحده آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین دولت استکباری و رهبر جهان سرمایه‌داری، در قبال بیداری اسلامی و راهبرد مقابله با حرکت‌ها و مبارزات ناشی از آن می‌پردازد.

میرآقایی، سیدجلال (۱۳۸۳)، در مقاله "بیداری اسلامی و مظاهر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن" به بررسی مفهوم بیداری اسلامی و برشمردن برخی از مظاهر فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن، پرداخته و در ادامه مقاله بازگشت به قرآن و یا باز گرداندن قرآن را به متن زندگی مردم حائز اهمیت دانسته و در پایان، مبارزه با استبداد و استعمار را بعد سیاسی بیداری اسلامی قلمداد کرده و متذکر شده است که انقلاب اسلامی ایران به رهبری عالم مجاهد و فقیه نواندیش، حضرت امام خمینی (ره)، بارزترین و جامع‌ترین نمونه این مبارزه بوده، که توانست آثار فراگیر خود را بر تارک نهضت‌های بیداری جهان اسلام بنشانند و «اسلام سیاسی» را به عنوان یک قدرت تعیین‌کننده به صفحه معادلات سیاسی جهان وارد کند.

شیبانی، محمدحسین (۱۳۸۳) در مقاله "بیداری اسلامی و موانع آن در اندیشه امام خمینی (ره)، به بررسی بیداری اسلامی در دهه‌های اخیر در کشورهای اسلامی پرداخته و برخی از موانع بیداری اسلامی را از دیدگاه امام خمینی (ره) بررسی و تحلیل کرده است.

(د) سؤال اصلی تحقیق

نقش رسانه ملی در بیداری اسلامی چگونه است؟

(هـ) روش تحقیق

نوع مطالعه توصیفی _تحلیلی می‌باشد و روش تحقیق به صورت تحلیل محتوا و اسنادی است که با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی صورت پذیرفت. داده‌ها با ابزار کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه کتاب‌ها، نشریه‌های تخصصی، مقاله‌های اینترنتی و روزنامه گردآوری شد.

۲) بیداری اسلامی و ویژگی‌های آن

بیداری اسلامی جنبشی است اصلاحی که با شناخت واقعیت‌های موجود در جامعه اسلامی از دو قرن پیش آغاز شده و در صحنه‌های علمی و عملی روزبه‌روز تکامل یافته و تا به امروز ادامه یافته و در حال حاضر به عنوان یک واقعیت در صحنه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و دنیای بشریت نقش‌آفرینی می‌کند. این پدیده عظیم اجتماعی بر پایه شناخت عوامل زیر شکل گرفته و در راه پریچ‌وخم خویش را به سمت آینده‌ای روشن طی کرده است:

 شناخت عقب‌افتادگی‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی جوامع اسلامی؛

 توجه به فقر، جهل، عدم بهداشت و وضعیت فلاکت‌بار حاکم بر جهان

اسلام؛

 شناخت پیشرفت‌های مادی جهان غرب و مقایسه وضعیت جوامع غربی با

جوامع اسلامی؛

توجه به گذشته پرافتخار و سراسر شکوه و عظمت دنیای اسلام و تمدن درخشانی که مسلمانان در گذشته تاریخی خود خلق کرده‌اند؛

توجه به میراث علمی و غنی اسلام در عرصه‌های مختلف علوم و معارف بشری و نقشی که دانشمندان اسلامی در هدایت قافله فکری بشری به عهده داشته‌اند؛

توجه به بدعت‌ها، خرافه‌ها و نارسایی‌هایی که در عرصه اندیشه دینی گریبان‌گیر دنیای اسلام شده است؛

توجه به تشّت، تفرقه‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای در سراسر جامعه اسلامی؛

توجه به فشار خردکننده‌ای که حاکمان مستبد بر مردم اعمال کرده و با ظلم و بی‌عدالتی به چپاول آنان می‌پرداخته‌اند؛

درک حضور استعمارگران غارتگر و اشغال کشورهای اسلامی توسط آنها و خطراتی که از این راه گریبان‌گیر مسلمانان شده بود؛

آشنایی با مفاهیم جدید فکری ره‌آورد تمدن غرب از قبیل آزادی، برابری، استقلال و...؛

حوادث مهمی هم که در این یکی دو قرن اتفاق افتاده مثل اشغال فلسطین به دست صهیونیست‌های جنایتکار و مبارزه قهرمانانه فلسطینیان و نیز اشغال افغانستان به دست نیروهای متجاوز غربی و اوضاع عراق در اوج‌گیری این بیداری نقش مؤثر و تعیین‌کننده داشته است (میرآقایی، ۱۳۸۳: ۵۰).

می‌توان بیداری اسلامی را در چند تعریف ساده خلاصه کرد:

بیداری که بیدارگر آن اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد.

بیداری که پس از آن اسلام و اصول و ارزش‌های آن مطالبه شود.

بیداری از خوابی که در نتیجه غفلت و رویگردانی از فرهنگ و آموزه‌های دینی بر جامعه رفته است.

اما بررسی تفاوت ماهوی خواب از بیداری می‌تواند فهم بهتر و تحصیل تعریفی جامع‌تر از بیداری با قابلیت صدق بر تمامی یا اکثریت مصادیق خارجی را تسهیل کند.

فصل خواب از بیداری در سه عنصر کلیدی خلاصه می‌شود: «آگاهی»، «اراده» و «حرکت معطوف به آگاهی و اراده». انسان خواب نه «آگاهی» دارد و نه «اراده» و نه حرکتی مبتنی بر این دو حرکت. جنب و جوش انسان خواب حتی اگر در خواب راه برود، غیر آگاهانه و غیر ارادی است و جامعه خواب نیز این چنین است؛ جامعه‌ای که دو عنصر «آگاهی» و «اراده» را از کف داده و در نتیجه از حرکت ارادی و آگاهانه بازمانده و بیداری آن جز در گرو بازگشت توأم این عناصر سه‌گانه نیست.

بسته به متعلق «آگاهی» و نوع و جهت «حرکت»، بیداری نیز نوع و جهت پیدا می‌کند. «بیداری اسلامی»، تحولی است حاصل از دمیدن «آگاهی» و «اراده» در کالبد خواب انسان و جامعه به منظور حرکت ارادی و آگاهانه آن در مسیر کمالات فطری خویش در چارچوب نظم و نظام اسلام. نتیجه آن نیز احیاء و بازیابی هویت فردی و جمعی است؛ یعنی شناسایی انسان مسلمان خویش را و بازگشت او به هویت جمعی واحد خویش: «امت».

حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی در طول تاریخ اگر به ثمر نشسته‌اند از دو عنصر آگاهی به مثابه تابلو و جهت‌نمای حرکت، و اراده به مثابه سوخت و محرک حرکت، بهره‌مند بوده‌اند. گاه انباری متراکم از باروت، شور و احساسات عمومی با جرقه‌ای از جا کنده شده است و اراده جمعی عده‌ای را در مسیری مبهم و بدون تابلو، سرگردان به این سو و آن سو کشانیده است و به محض خروج از جاده دست‌هایی از درون و بیرون با افزودن چاشنی عاطفه و دامن زدن بر احساسات عمومی، بر سرعت حرکت افزوده‌اند تا از مسیر اصلی دورتر شود.

عنصر اول بیداری، آگاهی یا خودآگاهی است؛ آگاهی به خود خویش، به خود فردی و خود جمعی، آگاهی نسبت به کمالات فطری و کشش‌ها و جذبه‌های پنهانی که از درون می‌جوشد و وجود آدمی را دائم به سوی خویش می‌کشد.

آگاهی به خود حقیقی خویش و نسبت این با جهان خلقت. یافتن یکباره سؤالاتی در اعماق جان که روزمرگی آنان را از بین برده است؛ ز کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟ آگاهی نسبت به نوع رابطه خود با اعضای جامعه و آنان که بر او حاکمند و آنان که باید حاکم باشند. آگاهی نسبت به آنچه که «هست» و فاصله او با آنچه که «باید» باشد.

انسان مسلمان معاصر بالاخره به این فاصله و بعد مسافت آگاهی یافته است. آگاهی نسبت به «نیست‌ها»، به تشنگی «باید» در وجود انسان دامن می‌زند و هرچه در پاسخ به تشنگی او شورآب نسخه‌های قلابی عدالت و معنویت و... داده‌اند، بر حجم و عمق عطش او افزوده‌اند. تشنگی، اراده را در وجود فرد و جامعه زنده می‌کند و «اراده» پلی می‌شود میان «آگاهی» و «حرکت»؛ حرکت از وضعیت موجود به سوی مقصدی مطلوب که تابلوی آگاهی نشانه رفته است.

عزم، همت، عاطفه، شور، انگیزه، اتکا به نفس، روی پای خود ایستادن و... همه این واژه‌ها تلاشی برای نشان دادن یک مفهوم کلیدی است که مسلمانان معاصر را به خیزی دست جمعی واداشته است: «اراده» (نواب، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۴).

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان، ویژگی‌های زیر را برای بیداری اسلامی برشمرد:

 بیداری اسلامی، مفهومی تدریجی است و در قالب فرایندی زمان‌مند به وقوع می‌پیوندد. بنابراین مرور زمان و بر اساس عوامل مختلفی آغاز می‌شود. برای شناخت کامل آن نیازمند بررسی پیشینه و زمینه‌های شکل‌گیری و شناخت مراحل آن هستیم.

 مفهوم بیداری در بحث بیداری اسلامی نشانگر این واقعیت است که اسلام و تعالیم ارزشمند آن و همچنین جامعه اسلامی هرگز نمرده‌اند، که نیاز به زنده شدن دوباره داشته باشند، بلکه به سبب تعلل و غفلت مسلمانان، تعالیم حیات‌بخش اسلام، فراموش شده و زمینه‌های افول

مسلمانان را فراهم کرده است. به همین سبب نیز از واژه‌هایی همانند «بعث» و یا «احیا» به عنوان مفهوم کلان، کمتر استفاده می‌شود.

ویژگی دیگر بیداری اسلامی، مسبوق بودن آن به خوابی بسیار طولانی است. به این معنا که پس از عصر نبوی و تشکیل جامعه اسلامی در مدینه و سپس اوج تمدن اسلامی در قرون دوم و سوم که به عنوان عصر طلایی از آن یاد می‌شود، عصر انحطاط جهان اسلام آغاز شد و چندین قرن به طول انجامید. در این دوران، بسیاری از منابع مادی و معنوی مسلمانان از میان رفت و مسلمانان که زمانی پیشرو بودن مورد استعمار اجانب قرار گرفتند.

گفتمان بیداری اسلامی دارای دو بعد اساسی است: یکی بازگشت به ارزش‌های اسلامی و دیگری دقت و هوشیاری در برابر تهدیدات بیرونی و دورنی. مفهوم بیداری اسلامی، همواره در کنار توصیه به بازگشت به تعالیم دینی، به تهدیدات نیز اشاره دارد. به عبارتی دیگر، در کنار بیداری اسلامی باید از واژه «هوشیاری اسلامی» نیز نام برد که در دل آن توجه به تهدیداتی است که فرایند بیداری اسلامی را با خطرات روبه‌رو می‌کند.

تهدید و آسیب برای جهان اسلام مفهومی ناآشنا نیست و جامعه اسلامی همواره با تهدیدات بزرگ و بنیادینی روبه‌رو بوده است که متأسفانه این تهدیدها به مسلمانان آسیب‌های جدی زده و پیامدهای ناگواری در عرصه‌های مختلف به جا گذاشته است. لازمه بیداری اسلامی هوشیاری و مقابله با تهدیدهای دشمنان قسم‌خورده اسلام است (علیزاده موسوی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲).

۲-۱) دلایل بیداری اسلامی در عصر حاضر

در مورد بیداری اسلامی به عنوان یک مسأله مهم، نظرات مختلفی مطرح شده است. برخی آن را ناشی از فقر و بدبختی می‌دانند. برخی دیگر آن را محصول مدرنیته می‌دانند. برخی نویسندگان مسلمان هم بیداری اسلامی را پدیده‌ای در اعتراض به حکومت‌های ستمگر و استکباری تلقی کرده‌اند. عده‌ای آن را پدیده‌ای

مسالمت‌جو و مشارکت‌خواهانه دانسته‌اند و عده‌ای دیگر، آن را مبارزه و معارضه. در مجموع این دیدگاه را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی‌تر ترسیم کرد.

یک دیدگاه را می‌توان دیدگاه «همکاری» و دیدگاه دیگر را «تقابل» نامید. دیدگاه همکاری، بیداری اسلامی را پدیده‌ای مدرن می‌داند که در اعتراض به برخی مشکلات جهان اسلام مثل فقر، شکاف‌های فرهنگی و بحران هویت پدید آمده است و این در اصل چالش فرهنگی است که الزاماً پاسخی فرهنگی می‌طلبد. طرفداران این دیدگاه بر آن هستند که اکثریت اسلام‌گرایان اهل همکاری و تلاش‌های مسالمت‌جویانه و دموکراتیک هستند.

به نظر این گروه از نویسندگان، اسلام‌گرایان در رقابت‌های دموکراتیک قابل جذب هستند و با وارد کردن آنها به فرایند قدرت، می‌توان در فرایند قدرت و دموکراسی حلشان کرد (بلنداختر، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۷).

هرایر دکمجیان، اسلام‌گرایی را نتیجه بحران‌های اجتماعی به تأخیرافتاده یا به عبارت دیگر، انباشته شدن سهم توده‌های فقیر و بدبخت جامعه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روحی می‌داند که سبب شده است تا اسلام‌گرایان به صورت واکنشی عمل کنند و بنیادگرایی اسلامی به صورت زمینه‌ای برای بحران هویت و مشروعیت و... در جهان اسلام بروز کند (Do Ceu Pinto ۱۹۹۹: ۱۷).

هوشنگ امیراحمدی، خشونت و ستیزه‌جویی اسلام‌گرایان را ناشی از فقر، شکاف هویتی و فرهنگی می‌داند. به باور وی ریشه افراط‌گرایی اسلامی را باید در خارج از دین جستجو کرد. به نظر وی مسلمانان امروزی با مشکلاتی همچون یأس فرهنگی، شکست اقتصادی، فشار سیاسی و آشفتگی فکری روبه‌رو هستند (پاپیز، ۱۳۸۰: ۶۹-۷۳).

در مقابل دیدگاه «تقابل‌گرایان» قرار دارد. این گروه اعتقاد جدی به برخورد میان مسلمانان و غرب دارند. به باور آنها، مسلمانان به لحاظ ضدیت با غرب و

ایدئولوژی ضد سکولاریسم، از همان ظرفیت‌هایی کمونیزم برخوردارند. دانیل پایپز، برنارد لوئیس، فرانسیس فوکویاما، ساموئل هانتینگتون، ریچارد فالک و تعدادی زیادی از متفکران غربی از جمله طرفداران این دیدگاه هستند. این گروه چالش بین اسلام و غرب را چالشی فلسفی می‌دانند که میان سرمایه‌های دو جناح، یعنی ارزش‌های غربی و هویت اسلامی وجود دارد. به اعتقاد هانتینگتون، این چالش که در اصل چالش هویتی- فرهنگی است تحت تأثیر عقب‌ماندگی جوامع اسلامی و پیشرفت غرب تشدید می‌شود. وی تأکید می‌کند که «تلاش‌های غرب برای ترویج ارزش‌های جهانی و حفظ برتری نظامی و پیش‌برد منافع اقتصادی‌اش، واکنش تلافی‌جویانه تمدن‌های دیگر (از جمله اسلام) را بر می‌انگیزد (هانتینگتون، ۱۳۷۲: ۶-۷).

۳) رسانه‌ها و بیداری اسلامی

آنچه در دوران اخیر شاهد آن هستیم، عملکرد رسانه‌های کشورهای اسلامی و رسانه‌های بی‌طرف- به خصوص با ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی- در راستای هوشیارسازی جوامع مختلف و از جمله جوامع اسلامی نسبت به شرایط حیات اجتماعی بدون حضور اقتدار غربی است.

سیر تحول وسایل ارتباطی، عمدتاً بر کارویژه‌های هر یک از رسانه‌ها و در دوره‌های مختلف بوده است. اولین رسانه‌های جمعی متولد شده و اداره‌کنندگان آن‌ها، جنبه‌های اطلاع‌رسانی را مقدم بر دیگر نقش‌ها و کارکردهای رسانه می‌دانستند. این تفکرات تا دوران معاصر ادامه می‌یابد و کارکرد اصلی فعالیت‌های رسانه‌ای را در قالب عملکرد خبری به نمایش می‌گذارد. اما تحولات اجتماعی، اهمیت این نقش‌آفرینی را چند برابر می‌کند. نگاهی به تحولات پس از دوران رنسانس و تلاش غرب برای احیای حیات علمی و فرهنگی یونان قدیم، کاهش اقتدار کلیسا، رفرم و حرکات ضد رفرمیستی، تحرکات جمعیتی، افزایش شهرنشینی، تغییر در نرخ رشد جمعیت، کاهش مرگ و میر، پیدایش شهرهای جدید و توسعه تجارت، از آن جهت اهمیت دارد که عطش کسب اخبار در غرب

را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد. رنسانس و سپس رفرم بر کنجکاوی‌های کسب اخبار افزودند، کشفیات بزرگ، افق فکری اروپاییان را وسعت بخشید و پیشرفت مبادلات بازرگانی و بانکی باعث رونق مبادلات خبری شد. دولت‌های جدید برای امور اداری خویش به ایجاد شبکه‌های خبری جدید نیاز داشتند.

علاوه بر نیازهای خبری جدید، ایجاد مراکز پستی جدید، ظهور دولت‌های بزرگ، بالا رفتن امنیت و نظم، و تولد صنعت چاپ به طور نسبتاً وسیعی باعث توسعه فرایندهای خبرگیری و خبردهی شد.

با توسعه صنعت چاپ، بازتولید سریع نوشته‌های خبری میسر شد. پیدایش رسانه‌های جدیدتر، فرایندهای عمل رسانه‌ای را پیچیده‌تر، و حجم تولیدات رسانه‌ای را بالا برد و با افزایش کنترل، سهم توجه به اخبار نیز بالا رفت. البته با تحولات اجتماعی پدیدار شده و همچنین تحولات رسانه‌ای، کارکردها و نقش‌های اولیه رسانه‌های جمعی تغییر عمده‌ای نکرد. وظایف اجتماعی و کارکردهای وسایل ارتباط جمعی نظیر وظیفه هدایت و راهنمایی، وظیفه خبری و آموزشی و وظیفه تفریحی و تبلیغی، همچنان مورد تأکید بود، اما دامنه این نقش توسعه یافت و رسانه‌ها تبدیل به ابزاری برای جنگ‌افروزی و نقش جنگ‌طلبانه شدند (معمدنژاد، ۱۳۷۰: ۱۸).

پوشش رسانه‌ای رسانه‌های جمعی و رسانه‌های مدرن زمینه‌های مختلف حیات اجتماعی را بر می‌گرفت، اما شیوه سازماندهی و ارائه و حجم این اخبار به شدت از ایدئولوژیک سطله‌مدار غرب تبعیت می‌کرد. آنها خود را به عنوان آفرینندگان رسانه‌ها و مبدع این فناوری محق می‌دیدند تا سهم اخبار را به نفع خود مصادره کنند و نوع اخبار را مثبت به نفع خود و منفی به نفع غیر جلوه دهند. این عمل رسانه‌ای نابرابری‌های گوناگونی را در عرصه عمل رسانه‌ای پدید آورد و باعث ظهور رسانه‌های خبری آزاد و غیر وابسته به نظام سرمایه‌داری غرب شد و محصول فعالیت ایشان پوشش بدون غرض و صادقانه اخبار در جهان شد (نقیب‌السادات و اظهري، ۱۳۹۱: ۶۴).

این امر زمانی رخ داد که غرب از تغییر در راهبردهای نفوذ خود در شرق خبر می‌داد و راه‌های جدید سلطه را به اجرا گذاشته بود. در این وادی، حرکت‌های انقلاب در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و دیگر مناطق جهان، به تبعیت از انقلاب اسلامی و افزایش تمایلات ضد امپریالیستی و ضد غربی، راه انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی(ره) را در پیش گرفته و از تحولات عمیق در باور، اندیشه و نظام حاکم در کشورهای خویش خبر می‌دادند. رسانه‌های بی‌طرف و مستقل و همچنین رسانه‌های کشورهای اسلامی آزاد این جریان انقلابی و بیداری مسلمانان جهان برای رهایی از سلطه غرب را پوشش خبری دادند (نقیب‌السادات، ۱۳۹۰: ۷).

در طول دوران انقلاب‌های نقش و جایگاه رسانه‌ها بیش از پیش اهمیت خود را نشان داد و اگر می‌بینیم مردم منطقه اکنون شبکه الجزیره را حامی انقلاب‌ها می‌نامند خود از آن حکایت دارد که این شبکه در اطلاع‌رسانی و هماهنگی انقلابیون و رساندن صدایشان به جهانیان توانسته است رضایت عمده انقلابیون را برای خود کسب کند، به طوری که به قول برخی از کارشناسان اکنون جایگاه امیر قطر که امتیازدار شبکه الجزیره است، در عرصه دیپلماسی بسیار پایین‌تر از الجزیره است.

امروزه توجه افکار عمومی در بیشتر نقاط جهان به همین رسانه‌های گروهی معطوف است و ساختاربندهی ذهنیت جهانی در گرو چگونگی اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی همین رسانه‌هاست، تا جایی که بر خلاف گذشته که ارتش‌های قدرتمند، معیار ابرقدرتی کشورها محسوب شده و یا اینکه بین قدرت‌ها، رده‌بندی می‌کردند، امروز کسی تردید ندارد که مهم‌ترین معیار رتبه‌بندی کشورها و قدرت‌های جهانی، میزان حوزه نفوذ و تنوع فعالیت‌های رسانه‌های منتسب به این کشورها است.

سرمایه‌گذاری بسیار گسترده صهیونیسم بین‌الملل در انحصار رسانه‌ای دنیا و خریداری بیشتر خبرگزاری‌ها و شبکه‌های بین‌المللی توسط آنها و سوءاستفاده‌های کلان ابرقدرت‌ها از رسانه‌های بین‌المللی و راه‌اندازی گسترده و متنوع شبکه‌های ماهواره‌ای و فعالیت‌های ۲۴ ساعته غالب آنها با تمام هزینه‌های گزافی که متوجه

کشورهای حمایت‌کننده می‌گردد، همه و همه گویای نقش تعیین‌کننده رسانه‌های ارتباطی در پیروزی‌ها و شکست‌های سیاسی و فرهنگی و حتی نظامی دول است.

امروزه تقریباً بیشتر کارشناسان به اهمیت همه‌جانبه رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری، توسعه، فراگیری و صدور و سرایت بیداری اسلامی از یک کشور به سایر کشورها اذعان دارند؛ زیرا با انعکاس رویدادهای اعتراضی در یک کشور، بلافاصله شاهد آن بوده‌ایم که هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ روش‌مندی، نهضت‌های بیداری اسلامی در دیگر کشورهای مسلمان منطقه شکل گرفته و نتایج تقریباً مشابه‌ای نیز حاصل شد که سقوط دیکتاتورهای تونس و مصر و لیبی نمونه‌های این حوادث مشابه‌اند.

رسانه‌ها در هدایت و سازماندهی جنبش‌ها در منطقه نقشی به سزا داشتند. این نقش را می‌توان در بندهای زیر خلاصه کرد:

- برجسته‌سازی چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای غربی؛
- افزایش سطح آگاهی مردم نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛
- افزایش مطالبات مردمی؛
- افزایش سطح حضور شهروندان به عنوان بازیگران مهم در مقابل نقش دولت؛
- هماهنگ‌کننده درخواست‌ها، مطالبات و برنامه‌ریزی‌ها.

۳-۱) رسانه ملی و بیداری اسلامی

در کشور تونس، رسانه ملی از همان ابتدای شکل‌گیری اعتراضات با تهیه گزارش‌ها و تحلیل‌های متنوع خبری سعی کرد تا حد امکان با تحولات منطقه همراهی نماید. نمودار زیر نشان‌دهنده عواملی است که موجب اعتماد مردم به رسانه ملی در انتشار و انعکاس اخبار و حوادث بیداری اسلامی شده است.

معنویت	←	عواملی که موجب اعتماد مردم به رسانه ملی در گزارش خبری و انعکاس حوادث و تحولات کشورهای حوزه بیداری اسلامی می شود عبارتند از:
احترام به ارزش‌ها	←	
امیدبخشی	←	
صمیمیت	←	
شفافیت	←	
تداوم	←	
احترام به مردم	←	
آگاهی‌بخشی	←	
جدی بودن	←	
تناسب پیام با نیازهای	←	
تناسب پیام با اخلاق و فرهنگ جامعه	←	
صداقت	←	
جلب توجه مردم	←	
منبع: نقیب‌السادات و اظهري، ۱۳۹۱: ۸۳		

اما این حضور رسانه‌ای در دو بعد خارجی و داخلی کمی با هم متفاوت بود. از این رو لازم است تا موضوع از دو منظر بررسی شود:

الف) بعد خارجی

شبکه‌های بین‌المللی خبری ایرانی همزمان با شروع تحولات و شعله‌ور شدن اعتراضات مردمی در کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا به پوشش خبری این تحولات پرداختند. اگرچه شبکه‌های «العالم» و «پرس‌تی‌وی» به صورت ویژه و گسترده‌ای این رویدادها را به مخاطبان جهانی انعکاس دادند، اما این مقاله بیشتر به نقش شبکه عرب زبان العالم که این رویدادها، در حوزه خبررسانی و مخاطبان آن قرار می‌گیرد می‌پردازد.

این شبکه همزمان با وقوع انقلاب مردمی تونس و مصر برنامه‌های عادی خود را قطع نمود و به پخش لحظه به لحظه و کامل تحولات این دو کشور پرداخت. العالم که نخست از طریق دفتر خود در قاهره تنها با دو خبرنگار تحولات این کشور را پوشش می‌داد، در پی آغاز انقلاب مردم؛ در شهرهای اسکندریه، السویس، البحیره، الاسماعیلیه، دمياط، الشرقیه، الفيوم و المیناء خبرنگاران جدیدی را به کار گرفت. این شبکه با به کارگیری تعداد قابل توجهی خبرنگار در آن کشور و به ویژه ۱۲ خبرنگار در شهرهای مختلف مصر، گستره پوشش خود را تا سطح ۱۰ استان در این کشور توسعه داد. پوشش گسترده شبکه العالم در حالی صورت می‌گرفت که شبکه‌های دولتی مصر هشدار می‌دادند با عوامل آشوب‌های مصر یعنی رسانه‌های خارجی مبارزه می‌کنند. در نتیجه هواداران مبارک هر جا خبرنگاری خارجی می‌دیدند به آنها حمله و وسایل گزارش‌گری آنها را منهدم می‌کردند. به این ترتیب طرفداران رژیم مبارک، با حمله به خبرنگاران شبکه العالم آنها را در چند مرحله مورد تعرض قرار دادند، که شکستن دوربین‌های خبرنگاران اعزامی این شبکه و یورش به استودیو در حال پخش زنده و مضروب ساختن کارشناس برنامه از جمله این موارد بود. در جریان پوشش خیزش انقلابی مردم بحرین نیز شبکه العالم به طور فعال ظاهر شد تا جایی که هکرها به پایگاه اینترنتی این شبکه حمله کردند و پخش این شبکه روی ماهواره نیز با تهاجم گسترده امواج پرازیت مواجه شد.

شبکه العالم از طریق دیپلماسی رسانه‌ای کوشش نمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال انقلاب‌های منطقه در قالب مفهوم بیداری اسلامی را منعکس نماید. در این باره سایت خبری «egypty» در مقاله‌ای نوشت: «شبکه خبری ایرانی العالم همزمان با سی و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، اقدام به مقایسه انقلاب ملت آزاده مصر با انقلاب اسلامی در ایران نمود و انقلاب اسلامی ایران را الگوی تمام ملت‌ها برای هرگونه اقدام ضد رژیم‌های خودکامه و دست‌نشانده دانست. شبکه خبری العالم که به زبان عربی پخش می‌شود در یکی از برنامه‌های خود اقدام به مقایسه اظهارات محمدرضا پهلوی، شاه مخلوع ایران در زمان انقلاب

اسلامی به سال ۱۳۵۷ با اظهارات مبارک در آغاز تظاهرات در مصر کرد. آن گاه به مقایسه دو ملت ایران و مصر در تظاهرات خیابانی پرداخت. این شبکه ایرانی، از تحولات اخیر در مصر به شدت استقبال کرد و سقوط نظام در مصر را یکی از دستاوردهای انقلاب ایران برشمرد و آن را زمینه ساز شکل گیری خاورمیانه اسلامی دانست». در حالی که رسانه های بین المللی و همچنین رسانه های منطقه در راستای سیاست های یک بام و دو هوای خود و برخلاف اصول اطلاع رسانی بین المللی از پوشش اخبار بحرین و اعتراضات مردمی در این کشور چشم پوشی نمودند، این تنها شبکه العالم بود که بار این اطلاع رسانی را بر دوش کشید و این باعث شد تا برخی رسانه های عربی از اقدام العالم بر آشفتند. از این رو پس از تلاش شبکه العالم برای ایفای رسالت اطلاع رسانی خود در انعکاس خیزش های مردمی، رسانه های عربی به ایجاد جنگ رسانه ای، علیه این شبکه مبادرت نمودند. به عنوان مثال حذف ناعادلانه العالم از روی ماهواره نیل سیت و عرب سیت را می توان نمونه ای از اوج خشم مقام های مصری و سعودی دانست؛ زیرا کاملاً مشهود بود که پوشش گسترده تحولات بیداری اسلامی در کشورهای عربی مهم ترین دستور کار العالم و البته پرس تی وی بود و علی رغم تمام مشکلات گاه اتفاق می افتاد که تصاویر اختصاصی این دو شبکه به عنوان منبع اصلی مورد استناد سایر شبکه های تصویری دنیا قرار می گرفت.

همانطور که گفتیم علاوه بر العالم دیگر رسانه های برون مرزی ایران، از جمله پرس تی وی هم پوشش بسیار خوبی را درباره این حوادث انجام دادند. به عنوان مثال می توان به گزارش روزنامه فایننشال تایمز انگلیس از توجه مردم بحرین به شبکه العالم اشاره کرد. طبق این گزارش علاوه بر شیعیان بحرین، ۲۸ درصد از جمعیت اهل تسنن آن کشور نیز مخاطب شبکه خبری العالم بودند. همچنین مردم مصر بارها حمایت خود از رسانه های ایرانی را به دلیل پوشش صادقانه و درست تحولات این کشور اعلام کردند.

ب) بعد داخلی

نحوه عملکرد رسانه ملی در حوزه شبکه‌های داخلی در مقایسه با رسانه‌های برون‌مرزی تا حد زیادی متفاوت بود. علت این امر از یک سو به ماهیت خود این شبکه‌ها و از سوی دیگر به مطالبات متنوع مخاطبان آن بر می‌گردد. از این رو می‌توان گفت رسانه ملی به عنوان فراگیرترین رسانه کشور از آغاز جنبش‌ها جز انتشار اخبار دست دوم که بیشترین حجم آن به خبرهای ترجمه‌ای و نقلی مربوط بود و نیز ارائه برخی تحلیل‌ها، عنوان دیگری در کارنامه خود نداشت. حال آنکه جا داشت به این مهم نه تنها از بعد اطلاع‌رسانی بلکه به خصوص به جهت تبیین ماهیت و چیستی قیام‌ها برای مخاطبان داخلی بیش از این پرداخت می‌شد؛ به ویژه وقتی که به نظر می‌رسید رویکرد رسانه در جریان‌های مربوط به کشورهای سوریه و بحرین متفاوت از دیگر کشورها بود و لازم بود ماهیت این تفاوت که بخشی از آن به دلیل منافع ملی و رویکرد سیاسی ایران به مسائل منطقه بود به درستی برای مخاطبان تشریح شود. از این رو عملکرد رسانه ملی در این حوزه را در چند بند به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

عدم استفاده مطلوب از تمام ظرفیت‌های هنری

از زمان آغاز جنبش‌ها یعنی آغاز حرکت مردم تونس تقریباً می‌توان گفت هیچ نمahنگ و سرود برجسته و قابل توجهی در این زمینه ساخته و پخش نشد. این در حالی است که نمahنگ از اثرگذارترین ساختارهای بصری است و رسانه ملی با برخورداری از واحد شعر و موسیقی مستقل و پرکاری که تاکنون درباره کم‌اهمیت‌ترین موضوعات، نمahنگ و سرود ویژه‌ای ساخته و پخش کرده است می‌توانست به این مهم نیز به طور جدی‌تر بپردازد.

با این رویکرد به نظر می‌رسد این توقع که تلویزیون تله‌فیلم یا سریالی درباره بیداری اسلامی و جنبش‌های اخیر تولید کرده باشد شاید کمی آرمان‌گرایانه و غیر منطقی باشد. با این حال اگر ساخت سریال یا حتی تله‌فیلم را یک فرایند

طولانی مدت بدانیم، ساخت تله تئاتر در سیما و یا پخش نمایشنامه رادیویی قطعاً فرآیندی زود بازده تر است که متأسفانه در این زمینه نیز نتیجه همان چیزی بود که در موارد قبلی به میان آمد. این در حالی است که سینمای غرب با فرستادن نمایندگان خود به کشورهای انقلابی از همان ابتدا عملیاتی ساختن نوعی دیپلماسی هنری را در دستور کار خود قرار داد. به عنوان نمونه «شان پن» که روابطش با دولت آمریکا بر همه اثبات شده است، به مصر رفت و با حضور در میدان التحرير پرچم آن کشور را در دست گرفت و خود را حامی انقلاب معرفی کرد. بی شک این حرکت بیانگر یک راهبرد برای نفوذ فرهنگی آمریکا در بین انقلابیون و مردم مصر بود. با این حال از میان سینماگران ما هیچ حرکت جدی صورت نگرفت. به این ترتیب به نظر می رسد پتانسیل های موجود در ساختارهای نمایشی و نیز نمادهای جذاب علی رغم امکان اثرگذاری بیشتر بر مخاطبان کمتر مورد توجه مدیران و سیاست گذاران رسانه ملی قرار گرفت.

تفاوت در نوع پوشش وقایع کشورهای مختلف

اگرچه تفاوت در نحوه پوشش خبری و تحلیل وقایع مربوط به کشورهای بحرین، سوریه، مصر، لیبی، تونس و مراکش در اصل حاصل ماهیت قیام های مردمی در هر یک از این کشورها و نیز نگاه سیاسی متفاوت دولت و حکومت به هر یک از این اتفاقات بوده و بی شک رسانه ملی نیز می باید بیانگر سیاست های حاکم باشد، اما رسانه ملی نتوانست در عمل این تفاوت های بنیادین را برای مخاطبان آنچنان که باید تشریح و تبیین نماید. این امر ناخواسته باعث شد، از نظر طیفی از مخاطبان رسانه ملی از یک طرف متهم به جانبداری از حکومت بشار اسد در مقابل خواست مردم و از طرف دیگر متهم به جانبداری افراطی از شیعیان بحرین در مقابل دولت آن کشور بشود. ناگفته نماند رسانه های فارسی زبان خارجی نیز بیشترین تلاش را در القای این مفهوم در جامعه نمودند. از این رو جا داشت در برنامه های متعدد و هدفمند شبکه های سراسری تفاوت دیدگاه ایران نسبت به این قیام ها که علاوه بر ماهیت قیام ها مرتبط با امنیت و منافع ملی کشور نیز می شد برای مخاطبان به

شیوه‌ای هنرمندانه تبیین و تا حد امکان همراهی بیشتر مخاطبان کسب می‌شد (یازیکی، ۱۳۹۱: ۴۸-۴۹).

تحلیل‌های عمدتاً یکسونگرانه

همانطور که گفتیم علل بروز و گسترش قیام‌های مردم در کشورهای عربی غرب آسیا بسیار متعدد و تا حدی نیز متنوع بود؛ اگرچه عنصر قوی و مهم اسلام‌خواهی را باید در تمام این قیام‌ها مشترک دانست، اما نمی‌توان دیگر عوامل محرک همچون رسانه‌ها، فاصله طبقاتی، مشکلات اقتصادی و غیره را نادیده انگاشت. جا داشت در تحلیل‌های رسانه ملی این مهم نیز به خوبی تبیین شود حال آنکه محور اکثر مباحث کارشناسی، تحلیل‌ها و پیام‌های برنامه‌ای، معطوف به جنبه اسلامی این جنبش‌ها بود. این در حالی است که نگاه گروه‌های اسلامی اثرگذار در این تحولات نیز دقیقاً مطابق با تعریف جمهوری اسلامی از جنبش‌های اسلامی نبود.

لازم بود این مهم نیز در بخش‌های مختلف برای مخاطبان تبیین و تحلیل شود؛ به خصوص آنکه غرب نیز در تلاش برای استیلای مدل ترکیه‌ای اسلام در منطقه است.

۲-۳) عملکرد رسانه ملی در بخش‌های مختلف تولیدی

رسانه ملی یا همان تلویزیون به عنوان فراگیرترین رسانه کشور از آغاز جنبش‌های بیداری اسلامی در شمال آفریقا و غرب آسیا به جز انتشار اخبار که بیشترین حجم آن به خبرهای ترجمه‌ای و نقلی مربوط بود و گاه برخی تحلیل‌ها، عنوان دیگری در کارنامه خود ندارد. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به دلیل تعلق خاطری که به اسلام و مسلمان‌ها دارد می‌تواند با فعالیت و پویایی بیشتر، نبرد دیپلماسی رسانه‌ای را از غربی‌ها برباید. همچنان که در عرصه جهانی، دو شبکه پرس‌تی‌وی و العالم تا حدودی در این عرصه موفق بوده‌اند. برخلاف شبکه‌های غربی که برای اهداف پلید خود از شگردهای متعدد رسانه‌ای استفاده می‌کنند، شبکه‌های داخلی خیلی ساده و غیرحرفه‌ای به این اتفاقات می‌پردازند؛ هر روز خبرهایی را درباره

حضور مردم در خیابان‌ها و یا پیش روی انقلابیون و جنایات حکومت‌های آن‌ها در خبرها می‌شنویم. تحلیل‌هایی هم که در میانه خبرها می‌آید هر روز مثل هم است و اگر کسی مخاطب ثابت خبرهای رسانه ملی باشد دیگر از شنیدن این همه خبر و تحلیل مشابه خسته می‌شود. به نظر می‌رسد صداوسیما با اینکه رویکرد مثبتی نسبت به این وقایع دارد، باید از شگردهای رسانه‌ای و روش‌های القای غیرمستقیم اهداف استفاده کند تا تأثیرگذاری آن افزایش یابد.

الف) مرکز سرود و موسیقی رسانه ملی

مرکز سرود و موسیقی تلویزیون ایران غیر از هماهنگی تولیدات موسیقی این رسانه، وظیفه دارد تا در مناسبت‌های گوناگون سرودها و کلیپ‌های مناسب را تولید کند. سایت این مرکز در بخش معرفی خود آورده است، مرکز موسیقی و سرود سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف فرهنگی و هنری نظام مقدس جمهوری اسلامی و با توجه به فرموده حضرت امام خمینی (ره) که «صداوسیما یک دانشگاه است» در بالا بردن سطح فرهنگی و هنری جامعه از طریق رسانه ملی گام برمی‌دارد. اما از زمان آغاز جنبش بیداری اسلامی یعنی آغاز حرکت مردم تونس تا زمان برگزاری کنفرانس بیداری اسلامی در تهران، تقریباً هیچ نماهنگ و سرودی در این زمینه ساخته و پخش نشد.

ب) فیلم و سریال، تله‌تئاتر و نمایشنامه رادیویی

در حالی که رسانه عریض و طویل ملی در تولید نماهنگ چند دقیقه‌ای شاید کمتر از یک ماه تولیدش به طول بینجامد کارنامه‌ای خالی و سفید دارد این توقع که تلویزیون، تله‌فیلم و سریالی درباره بیداری اسلامی و جنبش‌های اخیر تولید کرده باشد شاید اندکی آرمان‌گرایانه و غیر منطقی باشد. اگر ساخت سریال و حتی تله‌فیلم را یک چرخه طولانی مدت بدانیم، ساخت تله‌فیلم در سیما و یا پخش نمایشنامه رادیویی بی‌شک فرآیندی زود بازده‌تر است که متأسفانه در این زمینه نیز نتیجه همان چیزی است که در موارد قبلی به میان آمد.

با گذشت زمانی طولانی از انقلاب‌های حوزه بیداری اسلامی هنوز هم هیچ سریال یا فیلم سینمایی با مضمون این وقایع به نمایش در نیامده است. این در حالی است که حداقل صداوسیما می‌توانست به جای تولید این حجم از سریال‌های خنثی و کم‌محتوا چند سریال با موضوع این حوادث بسازد. مثلاً در ماه مبارک رمضان، که فضای جامعه نیز به سمت آگاهی و بیداری معنوی مایل‌تر بود، می‌شد در عوض این سریال‌های ماوراءالطبیعی، دست کم یک سریال با چنین موضوعی ساخته شود.

در عرصه سینما هم وضعیت از این بدتر است. این در حالی است که سینمای غرب با فرستادن نمایندگان خود به کشورهای انقلابی در حال عملیاتی ساختن نوعی دیپلماسی هنری است. حضور پررنگ افرادی چون «شان پن» و «آنجلینا جولی» که روابطشان با دولت آمریکا بر همه اثبات شده است در میان اعراب، بخشی از دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده برای نفوذ در بین مسلمانان است. اینکه هنوز فیلم‌سازان ما وارد گود نشده‌اند، مایه اندوه و حسرت است. «رضا برجی» از معدود افرادی بود که برای حضور در این مبارزات به عنوان مستندساز ابراز علاقه کرد، اما او هم ظاهراً با ممانعت‌ها و محدودیت‌هایی برای سفر به کشورهای حوزه بیداری اسلامی مواجه شد و مسئولان هیچ اقدامی برای فراهم کردن زمینه سفر او نکردند.

با وجود برخی رفت‌وآمدها و نشست و برخاست‌ها میان مسئولان فرهنگی ایران با کشورهای انقلاب‌کرده؛ اما هنوز در عمل هیچ قراردادی برای ساخت فیلم درباره انقلاب‌های منطقه بسته نشده است. البته عملیاتی ساختن این مهم فقط به مدیران بر نمی‌گردد و خود هنرمندان نیز باید در این زمینه پیش‌قدم شوند. آنچه مسلم است این‌که خیزش‌ها و انقلاب‌ها و جنبش‌های فعال‌شده علیه استعمار و استبداد سرمایه‌داری، حرکت‌هایی صرفاً سیاسی نیستند، بلکه عمیقاً و اصالتاً انسانی هستند؛ چراکه سیاست‌ها و برنامه‌های رژیم‌های سلطه‌گر حاکم بر جهان، بالقوه خطری برای حیات انسان و همه جوامع بشری است. به همین دلیل هم ورود هنرمندان به چنین میدانی، بیشتر از اینکه سیاسی باشد حرکتی انسان‌دوستانه خواهد بود. آیا غیر

از این است که هنرمندان صدای مردم خود هستند؟ پس درهای قلب و ذهن خود را به روی تحولات و واقعیات باز کنید تا دنیا صدای ما را رساتر از گذشته بشنود (روزنامه کیهان، ۱۳۹۰/۷/۳۰).

ج) مستندسازی

در بخش مستند شاید کمی ماجرا متفاوت باشد؛ از یک طرف شبکه‌هایی مانند پرس‌تی‌وی و العالم در تکاپوی ساخت آثاری هستند و باید امید داشت تا سوژه بیداری اسلامی مقابل دوربین مستندسازان این شبکه قرار بگیرد و از یک سو مستندسازان آزاد که گاه آثارشان را به رسانه ملی ارائه می‌کنند نیز از کنار این سوژه به سادگی نمی‌گذرند. اما از سوی دیگر آنچه که در العالم و پرس‌تی‌وی پخش می‌شود با وجود داشتن کیفیت قابل قبول و گاه بالا، به شبکه‌های داخلی، کمتر راه باز می‌کنند و آن معدود آثاری هم که در شبکه‌های داخلی پخش می‌شود درست در ساعات مرده روی آنتن می‌روند. این دقیقاً عکس کاری است که شبکه‌های تلویزیونی پربیننده جهان انجام می‌دهند. از طرف دیگر در صورتی که این جنبش‌ها از اولویت کاری در رسانه ملی برخوردار بودند روند تولید و پخش آنها می‌باید به شکل دیگری می‌بود. این تفاوت را در میان شبکه‌های غربی که احتمالاً هیچ قرابتی ایدئولوژیک با این جنبش‌ها ندارند به روشنی می‌توان دید.

۴) نقش رسانه ملی در آینده بیداری اسلامی

همانطور که پیش از این اشاره شد جنبش‌های نوین عربی در منطقه موسوم به بیداری اسلامی در شکل‌گیری و تداوم به میزان بسیاری تحت تأثیر رسانه‌ها بوده‌اند. از این رو دور از انتظار نیست که رسانه‌ها در آینده این جنبش‌ها به لحاظ شکلی و محتوایی بتوانند اثرگذار باشند. بنابراین رسانه ملی به عنوان اصلی‌ترین رسانه در جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از شبکه‌های متعدد سراسری و برون‌مرزی می‌تواند سهم به‌سزایی در آینده این تحولات و حتی گسترش آن به عهده داشته باشد. از این رو به طور مشخص با وجود دو شبکه مهم بین‌المللی ایرانی، یعنی

العالم و پرس تی وی و با توجه به اینکه امروز بخش بزرگی از سیاست های منطقه ای و جهانی را رسانه ها رقم می زنند لازم است با صرف هزینه بیشتر و سرمایه گذاری اثرگذارتر و حتی با ایجاد شبکه هایی جدیدتر موضوع جنبش های مردمی کشورهای عربی پیگیری شود؛ زیرا به طور مثال علی رغم تلاش بسیاری از انقلابیون مصری ابراز می داشتند، اولویت مردم مصر برای انتخاب شبکه العالم، بسیار پایین تر از دیگر رسانه هاست و شبکه هایی همچون الجزیره جایگاه بهتری را نزد افکار عمومی دارا هستند. این نقص اگرچه بدون شک ناشی از برخی سنگ اندازی ها و توطئه های غرب علیه شبکه های خبری ما است، اما نباید باعث گردد تا از ضعف های خود نیز چشم پوشی کنیم و برای آینده برنامه ریزی نداشته باشیم. وجود برخی برنامه های کلیشه ای و مصاحبه های متعدد اما کم محتوا، کیفیت و جذابیت کم استودیوها و شیوه های پخش خبر در العالم و سرمایه گذاری بسیار پایین در مقایسه با دیگر رسانه ها یقیناً در این کم توجهی ملت ها بی تأثیر نبوده است. بنابراین به نظر می رسد برای اینکه رسانه ملی بتواند در آینده هر چه بیشتر و مؤثرتر در روند بیداری اسلامی کشورهای منطقه نقش داشته باشد باید برخی اقدامات را در راهبرد خود بگنجانند:

- تداوم انتشار اخبار و گزارش های دقیق، واقعی و منصفانه از جنبش ها و گروه های اسلامی؛
- ارائه گزارش های مستند و حتی ارائه تولیدات و محصولات آن ها؛
- عدم دخالت در امور داخلی کشورها و عدم تلاش برای ارائه الگوهای مختلف؛
- عدم تبلیغ فعالیت های سطحی نگرانه برخی گروه ها؛
- عدالت رسانه ای و رعایت ضریب خبری متناسب با فعالیت های هر یک از گروه های اسلامی و

این موارد مهم ترین رویکردها و سیاست هایی هستند که به نظر می رسد صداوسیما و دیگر رسانه ها و سازمان های جمهوری اسلامی، باید آن ها را لحاظ کنند (سیف پور، ۱۳۹۱).

اما رسانه ملی برای دستیابی به نتیجه بهتر در راستای نگرش انقلاب اسلامی و تأثیر مداوم بر آینده جنبش‌های اسلامی لازم است از برخی اقدامات رسانه‌ای تا حد امکان پرهیز کند. این اقدامات می‌تواند در درازمدت باعث سلب اعتماد مخاطبان و گسسته شدن مسیر ارتباطی آنان با شبکه‌های ایرانی شده و بی‌شک در فضای رسانه‌ای موجود فضا برای عمل دیگر شبکه‌ها و رسانه‌ها گسترده‌تر شود.

۴-۱) ارائه الگوهای کاذب و مخالف با آداب و سنن و باورهای مخاطبان

رسانه‌ها به طور معمول دارای یک سلسله الگوها و هنجارهایی هستند که می‌خواهند تمامی برنامه‌های خود را براساس آن تنظیم نمایند. این مؤلفه‌ها تا حدود زیادی مبتنی بر آداب و رسوم، فرهنگ و باورهای هر منطقه است. بنابراین باید توجه داشت آنچه برای رسانه ملی در مقابل مخاطب داخلی یک مزیت محسوب می‌شود ممکن است برای مخاطب در کشورهای دیگر هدف مطلوب تلقی نشود.

۴-۲) عدم ارائه برنامه‌های بی‌محتوا یا کم‌محتوا

عرضه اینگونه برنامه‌ها افزون بر آنکه به اعتبار انقلاب اسلامی آسیب وارد می‌کند موجب بدآموزی و الگودهی کاذب نیز می‌شود. به این خاطر است که رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «کم‌محتوایی یک خطر و آفتی است که گاهی انسان ترجیح می‌دهد که برنامه‌ای نباشد تا اینکه برنامه‌ای بدون محتوا باشد».

۴-۳) عدم ارائه برنامه‌هایی مخالف ارزش‌های دینی و اسلامی نظام جمهوری اسلامی

رعایت این نکته در جذب و دفع مخاطب رسانه‌های ایرانی تأثیر زیادی دارد. باید توجه داشت که هم دنیا و هم مسلمانان، روی کوچک‌ترین حرکات رسانه‌های جمهوری اسلامی توجه و دقت دارند. بنابراین باید نهایت دقت به عمل آید تا اولاً این برنامه‌ها باعث دلسردی مسلمانان منطقه و ثانیاً باعث سوءاستفاده دیگر شبکه‌ها در راستای اهداف‌شان نشود.

۴-۴) پرهیز از بالا بردن سطح توقعات نسبت به جنبش‌های اسلامی

قدرت‌های استکباری غربی هر روز بر تهاجم خبری و فرهنگی خود علیه اسلام‌گرایان می‌افزایند و با جدیت در پی آنند تا رستخیز اسلام‌خواهی را در منطقه

منحرف و یا حتی سرکوب نمایند. در چنین شرایطی رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارند از یکسو به موج اسلام‌گرایی کمک‌های فکری، فرهنگی و تبلیغاتی ارائه نمایند و در ثانی تلاش کنند تا سطح توقعات از این جنبش‌ها در حد آرمان‌گرایی افزایش نیابد. این امر می‌تواند یک آفت برای آینده جریان رو به گسترش بیداری اسلامی در منطقه محسوب شود.

در نهایت اینکه باید توجه داشت سه عامل در تأثیر رسانه‌های جمعی، به ویژه بر مخاطبان خارج از کشور نقش اساسی دارد:

- چه فرد و یا دستگاهی ارتباط برقرار می‌کند؛
- چگونه و از چه راهی ارتباط برقرار می‌کند؛
- مخاطبان این رسانه‌ها چه کسانی هستند.

این عناصر هر قدر پررنگ‌تر با فکر قبلی و دستکاری بیشتر همراه شوند به تبلیغ نزدیک‌تر می‌شوند و در انتقال پیام موفق‌تر عمل می‌کنند. رسانه‌های جمهوری اسلامی و در رأس آنها رسانه ملی باید از این فرصت و امکان برای بیان مواضع اصولی انقلاب اسلامی در جهان و به خصوص جهان اسلام و به طور مشخص کشورهای شامل موج بیداری اسلامی که بیشترین پتانسیل را برای پذیرش و تحلیل افکار نو دارند، استفاده کنند. لازمه این کار نیز تولیدات مناسب است. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرمایند: «ما گر بتوانیم در تمامی زمینه‌ها تولید مناسب و شایسته‌ای داشته باشیم می‌توانیم صدای انقلاب را به جهانیان برسانیم که در این صورت موضع ما برای مردم دنیا قابل فهم خواهد بود و ما تا حدودی توانسته‌ایم تبلیغات مغرضانه رسانه‌های وابسته را خنثی کنیم» (بنیاد فرهنگی الزهراء، ۱۳۷۳: ۴۶).

نتیجه‌گیری

عملکرد رسانه ملی از دو منظر داخلی و خارجی بررسی شد. به نظر می‌رسد در حوزه شبکه‌های خارجی و تولید برنامه برای مخاطبان خارجی عملکرد این رسانه

با بهره‌گیری از شبکه‌های برون‌مرزی محدود موجود و علی‌رغم قدرت بسیار بالای شبکه‌های رقیب با پخش برنامه‌های تحلیلی و پوشش اخبار با سرعت و دقت نسبتاً مناسب تا حدی قابل قبول و مناسب بود، اما این وضعیت در شبکه‌های داخلی با توجه به اهمیت موضوع و سطح توقع مخاطبان داخلی چندان مناسب نبود. البته ارائه نتیجه‌گیری نهایی و دقیق‌تر مستلزم بهره‌گیری از نتایج تحقیقاتی مستقل و تحلیل داده‌های آماری دقیق است.

رسانه ملی با بهره‌گیری از شبکه‌های برون‌مرزی خود توانست پوشش خبری و تحلیلی قابل قبولی را از وقایع به عمل آورد. حضور در صحنه از همان ابتدای حادثه و ادامه گزارش‌ها تا حصول نتایج در کشورهای مختلف از نکات قوت امر بود، اما در مقایسه با شبکه‌های بی‌بی‌سی و الجزیره که امکان حضور مستقیم و نصب تجهیزات رسانه‌ای حرفه‌ای و گسترده در مکان‌های متعدد به خصوص میادین را داشتند فاصله زیادی با نقطه مطلوب احساس می‌شود. این امر باعث شد که در بیشتر مواقع رسانه ملی چه در حوزه شبکه‌های برون‌مرزی و چه در پوشش اخبار برای مخاطبان داخلی به عنوان یک شبکه مصرف‌کننده محسوب شود و کمتر امکان مخابره اخبار دست اول برای آن میسر باشد. بی‌شک این امر به محدودیت‌های گسترده‌ای بر می‌گردد که حکومت‌های کشورهای عربی درگیر با خیزش‌های اسلامی مردمی برای شبکه‌های جمهوری اسلامی ایجاد نمودند، اما بزرگ‌ترین مشکل را در این حوزه باید عدم موفقیت در تبیین مواضع اصولی نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با جریان‌های متفاوت کشورها و به طور مشخص در مقایسه با دو جریان سوریه و بحرین برشمرد. این شاید بزرگ‌ترین نقطه ضعف در عملکرد رسانه‌ای رسانه ملی در مدیریت و انتقال پیام محسوب شود که در هر دو حوزه مخاطبان داخلی و خارجی قابل لمس است.

کتابنامه

۱. بلندآختر، نوراحمد (۱۳۸۶)، انسجام اسلامی در عصر بیداری اسلامی، فصلنامه فروغ وحدت، سال سوم، شماره دهم
۲. بنیاد فرهنگی الزهراء (۱۳۷۳)، صداوسیما در کلام مقام معظم رهبری، تهران: مرکز مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما، چاپ اول
۳. پاپیز، دانیل (۱۳۸۰)، امام‌هایی با کت و شلوار نوار دوزی شده، ترجمه پریسا رضایی، فصلنامه رسانه‌های رسانه، شماره ۱۸۸۸.
۴. شیبانی‌فر، محمدحسین (۱۳۸۳)، بیداری اسلامی و موانع آن در اندیشه امام خمینی (ره)، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰.
۵. شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه‌ها)، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶.
۶. علیزاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی، تهران: نمایندگی ولی فقیه در حوزه حج و زیارت.
۷. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۰)، بررسی ریشه‌های تاریخی سلطه ارتباطی غرب در شرق، فصلنامه رسانه، شماره ۷.
۸. منصوری، جواد (۱۳۸۳)، سیاست راهبردی آمریکا در مقابله با بیداری اسلامی، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰.
۹. میرآقایی، سیدجلال (۱۳۸۳)، بیداری اسلامی و مظاهر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰.
۱۰. نقیب‌السادات، سیدرضا و الهام اظهري (۱۳۹۱)، جریان شناسی بیداری اسلامی با رویکرد تبلیغات انتخاباتی، فصلنامه بیداری اسلامی، سال اول، شماره دوم.
۱۱. نقیب‌السادات، سید رضا (۱۳۹۰)، رسانه‌های فراگیر خبری و بیداری اسلامی، مجموعه مقالات مهدویت، مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما.
۱۲. نواب، محمد (۱۳۸۵)، امت‌در حرکت؛ جهان معاصر و بیداری اسلامی، مجله سوره، شماره ۲۷.
۱۳. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی، تهران: اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی.
۱۴. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۲)، رویارویی تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۶۹-۷۰.
۱۵. یازیچی، بابک (۱۳۹۱)، رسانه ملی و بیداری اسلامی، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۶۳.
۱۶. روزنامه کیهان (۱۳۹۰/۰۷/۳۰)، ضعف دیپلماسی رسانه‌ای رسانه ملی در مقابل بیداری اسلامی.
۱۷. سیف پور، رضا (۱۳۹۱)، بررسی عملکرد رسانه ملی در بیداری اسلامی، قابل دسترسی در: <http://www.resaneyefarda.ir/tv/item/۴۱۷۵>
۱۸. Do Ceu Pinto, Maria (۱۹۹۹), Political Islam and thr United States, Reading: UK: Ithaca Press